

# مشکلات تربیتی و رفتاری

از طرف دیگران مورد محبت و نوازش قرار گیرند. اگر در خانواده‌ای بچه‌ها مورد محبت والدین قرار گیرند ولی وقتی وارد مدرسه می‌شوند کثرت شاگردان کلاس و عدم توجه معلم‌ان و اولیای مدرسه به این نیاز پاسخ ندهد، وضع ناراحت کننده‌ای بوجود می‌آید. برعکس این مورد نیز صحیح است، یعنی اگر کودکان در داخل منزل بیش از حد مورد محبت قرار گیرند وقتی وارد مدرسه می‌شوند، توقع دارند که در آنجا نیز با آنها مانند پدر یا مادر رفتار شود چون نمی‌شود، به مشکلات روانی گرفتار می‌شوند.



بنابراین می‌توان گفت علت اصلی مشکل تربیتی انسان بر هم خوردن تعادل فرد با محیط و عوامل تربیتی است. از پدر و مادر که نخستین عامل تربیتی محیط بر کودک است تا معلم، کلاس، مدرسه و کل جامعه با همه ویژگی‌هایش، مجموعه محیطی فرد را تشکیل می‌دهند و هر کدام در جای خود و در حد خود می‌توانند زمینه رشد و سلامت روانی برای افراد ایجاد کنند. نکته بسیار قابل ملاحظه این است که در هندسه خلقت انسان و آنچه که بیرون از انسان است، هیچ چیز جای دیگر را نمی‌گیرد. یعنی اگر فرد در اثر محرومیت از یک عامل تربیتی دچار کمبودی شود نمی‌تواند جای آن را با عامل دیگری پر کند. به عنوان مثال اگر فرد در داخل خانواده از یک محیط امن و

در وجود انسان استعدادها و علائق فطری متعددی نهفته است که هر کدام برای رشد پیدا کردن زمینه و شرایط مساعدی را می‌طلبند. انسان توانایی تعقل دارد که اگر به طور مناسب پرورش یابد، فرد اندیشه‌مند و متفکری تربیت می‌شود که در امور مختلف زندگی و در ارتباط با افراد دیگر با شاخص دلیل و منطق عمل می‌کند. او استعداد خداگرایی دارد که اگر در مدار صحیح خود رشد یابد انسان مؤمن و الهی تربیت می‌گردد که با معیار حق رفتار می‌کند و جز به رضای خدا راضی نمی‌شود. استعداد گرایش به زیبایی دارد که او را به سوی زیباییها می‌کشاند و اگر محیط مساعد باشد، این گرایش، پرورش درست می‌یابد و هر چیز زیبا را تجلی و مظهر زیبایی مطلق خداوند می‌داند و زیباییهای واقعی را در آرمانهای الهی جستجو می‌نماید. استعداد جامعه‌گرایی دارد که با تکیه بر آن به زندگی اجتماعی گرایش پیدا می‌کند و در تعامل با انسانهای دیگر رشد اجتماعی می‌یابد و نیازهای مادی و غیر مادی خود را تأمین می‌نماید. همین طور استعدادهای عمده دیگری نیز می‌توان برای انسان برشمرد.

حالت طبیعی این است که این استعدادهای فطری از همان دوران کودکی به طور هماهنگ رشد کنند و در نتیجه این رشد هماهنگ فرد بدون اضطراب، فشار روانی و احساس کمبود، زندگی سعادتمندی داشته باشد. اگر شرایط تربیتی سالم موجود نباشد این تواناییها رشد نمی‌کنند و عقیم می‌مانند و اعتدال قوا در وجود فرد بهم می‌خورد. این بهم خوردن اعتدال در گرایشهای فطری که در اثر نبودن تعامل صحیح بین انسان و محیط تربیتی او به وجود می‌آید، سرمنشأ هر نوع مشکل تربیتی است. جهت روشن شدن بحث مثالی ذکر می‌کنیم.

یکی از نیازهای روانی انسان احتیاج به تعلق گروهی است. فرد میل دارد تشخیص اجتماعی پیدا کند، موقعیت او از طرف گروه به رسمیت شناخته شود، مورد احترام گروه باشد و در عین حال عضو گروه قلمداد گردد. همان طور که عدم تأمین این احتیاج در افراد سالمند و جوان موجب تزلزل شخصیت و اضطراب درونی است در میان بچه‌ها عدم تأمین این احتیاج ناراحتیهای شدیدی بوجود می‌آورد. با فرض کنید که احتیاج به محبت در انسان یک احتیاج اساسی است، همه افراد نیاز به محبت دارند. علاقه‌مند هستند

سالم برخوردار نباشد نمی تواند خلاء روانی و عاطفی خود را در دوستی با همکلاسان و همسالان خود جبران کند یا اگر امکان مشارکت در کارهای گروهی و همنشینی با گروههای همسن برای فرد فراهم نباشد، دچار مشکل می شود عاقل ترین پدر و مهربانترین مادر تا حدی می توانند این نیاز فرد را تأمین کنند لکن به نحو مطلوب نمی تواند خلاء موجود در روح و روان فرزند خود را پُر کنند بنابراین هر کدام از عوامل محیطی، می توانند بخشی از نیازهای روانی و فطری فرد را تأمین کنند و رشد بدهد و نمی تواند نقش تربیتی عامل دیگری را ایفا کند. پس از این مقدمه به چند عامل که می توانند در ایجاد و تقویت مشکلات تربیتی مؤثر باشند، اشاره می کنیم.

### ● عوامل مؤثر در ایجاد مشکلات تربیتی

#### ۱- نداشتن صلاحیت اجتماعی

شناخت ارزشها، نگرشها و الگوهای رفتاری مطلوب در جامعه از لوازم ایجاد رفتارهای بهنجار است. گفتم گاهی انسان در اثر شناختن خود و تواناییهایش گرفتار مسایل و مشکلات رفتاری می شود، گاهی فکر خود را به کار نمی اندازد تا مسایل مختلف را از هم تشخیص دهد. زمانی هم منشأ مشکلات رفتاری در این است که فرد ارزشهای اجتماعی جامعه خود را به خوبی یاد نگرفته و نسبت به الگوهای رفتاری (هنجارها) نشأت گرفته از آن ارزشها آگاهی لازم را ندارد. لذا رفتارهای نامطلوبی از او سر می زند. نقش آموزشهای رسمی و نهادهای تربیتی در این مورد اهمیت خود را نشان می دهد زیرا که در جوامع امروزی آموزشهای غیر رسمی جوابگوی همه نیازها نیست.

جامعه پذیر کردن افراد یکی از هدفهای عمده تربیتی است. اعضای جامعه را باید برای زندگی کردن در جامعه آماده ساخت. که آن هم نه جامعه ثابت بلکه جامعه ای که دائم در حال تغییر و تکامل است. پیچیدگی جوامع باعث شده است که آماده نمودن افراد برای زندگی اجتماعی نیز شکل پیچیده ای به خود بگیرد. مشکلات رفتاری گاهی ناشی از این است که فرد برای جامعه بزرگتر و پیچیده تر تربیت نیافته است و نقشهای مورد انتظار را یاد نگرفته است.

دانش آموز قبل از اینکه وارد آموزشهای رسمی شود در خانواده خود بسر می برد. قاعدتاً تربیت در خانواده باید فرد را برای ورود به جامعه بزرگتر یعنی مدرسه آماده کند ولی این ضرورت عمل کمتر به وقوع می پیوندد. خانواده ها نوعاً به علت عدم آگاهی از مسایل تربیتی، به این امر مهم توجه نمی کنند و

آموزشهای قبل از دبستان هم در شرایط فعلی به طور رسمی و جامع کودکان سنین قبل از دبستان را تحت پوشش قرار نمی دهد. لذا اغلب کودکان وقتی وارد مدرسه می شوند به علت عدم آمادگی با محیط تازه احساس بیگانگی می کنند. هم از نظر عاطفی به مشکل بر می خورند و هم در بُعد اجتماعی طرز بسر بردن با دیگران را نمی دانند. قابل ذکر است که مدرسه یک نهاد تربیتی است و باید دانش آموزان را تربیت اجتماعی کند، ولی نکته قابل توجه، آمادگیهای عاطفی، شناختی و اجتماعی قبلی است که اساس و مبنای رفتارهای بعدی را تشکیل می دهد.

اگر شرایط تعاملی در خانواده به گونه ای باشد که زمینه لازم را برای عدم تواناییهای اجتماعی فرزند بوجود آورد نتیجتاً فرزند خانواده توانایی لازم را به منظور قبول وظایف و همکاری با دیگران نیاموخته است. وی متوجه می شود که والدین الگوهای رفتاری متناسب با موقعیت را به او نیاموخته اند و رفتاری مناسب موقعیت نیست. احتمالاً نقشهای متقابل را فرا نگرفته که بتواند در زندگی اجتماعی به عهده بگیرد. این عوامل باعث می شوند که فرزند خانواده در مناسبات و روابط اجتماعی سالم، نتواند به طور صحیح از عهده تأمین نیازهای خود بر آید. و احتمالاً وی کوشش می کند در گروههای دیگری وبه وسیله ارتباط با افراد دیگری نیازهای خود را برآورده سازد و این خود می تواند یکی از مهمترین انگیزه های پیوستن به گروههای بزهکار در نوجوانی باشد!

#### ۲- خانواده

خانواده نخستین گروهی است که فرد در آن پرورش پیدا می کند و زیربنای شخصیت خود را از فرهنگ و ارزشهای خانواده اخذ می نماید. در تفکر اسلامی این نهاد از قداست و اعتبار فوق العاده ای برخوردار است و نام «آیه» به خود گرفته است.

«ومن آیات ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها وجعل بینکم مودةً ورحمةً».

نکته مهم این است که شرایط «آیه» شدن خانواده با همت اعضای خانواده مخصوصاً مرد و زن که با هم عقد زندگی مشترک بسته اند، فراهم می گردد. اگر هر یک به نقش و وظیفه خود آگاهی داشته باشند و به آن عمل کنند، عدل و انصاف تربیتی بر آن خانه حاکم می شود و هر فرزندی که در آن رشد می کند شخصیت الهی و انسانی می یابد. ولی اگر اعضای خانواده آگاه به وظایف خود نباشند و خارج از مدار حق عمل نمایند، محیط خانه از عدل و اعتدال خارج می شود و نمی تواند گلهای با طراوتی را به گلستان جامعه تحویل دهد در چنین

محیطی مبنای مشکلات تربیتی و رفتاری کودکان شکل می گیرد.

نگرشها و رفتار والدین می تواند تسهیل کننده و یا مانع در جریان رشد و تکامل کودک باشد. والدین سختگیر و خشن مانع می شوند تا فرزندانشان از روابط مثبت و سازنده با همسالان خویش که برای استقلال آنان بسیار مؤثر است بهره گیرند. درحالی که والدین پذیرا و فهمیده، منبع امنیت برای نوجوانان نگران و مضطرب خویش خواهند بود. چنین والدینی نه تنها در حل مشکلات نوجوان، او را همراه و یاورند، بلکه نوجوان را به مستقل شدن و پذیرش مسئولیت تشویق می کنند.

ارزشهای والدین در رشد کودک از اهمیت خاص برخوردار است. والدینی که دارای معیارها و ارزشهای والاتی هستند و در زندگی به آن عمل می کنند، غالباً فرزندانشان نیز در مواجهه با ضوابط و رفتار تعارضی انگیز دارای همان ارزشهای والا خواهند بود برعکس والدینی که احساس مسئولیت نمی کنند و بر مبنای هر چه پیش آید خوش آید زندگی می کنند و آن چنان مادی می اندیشند که در زندگی برای مشکلات فرزندانشان به هیچ گونه پاسخ اخلاقی اعتقاد ندارند بی شک ارزشها، معیارها و بالاخره فلسفه خویش از زندگی را به فرزندانشان القا می کنند.<sup>۲</sup>

متأسفانه اکثر خانواده ها با ویژگیهای روحی و روانی کودکان آشنایی ندارند و با رفتارهای نامناسب زمینه انحرافات و آسیبهای روحی و روانی را در آنها بوجود می آورند. گاهی دیده می شود که یک مادر سعی می کند لباسهای زیبایی برای فرزند خود تهیه کند و غذای مناسبی برای او آماده کند ولی همین مادر در اثر ناآگاهی از مسائل تربیتی، روان فرزند خود را تخریب می نماید. گاهی دیده می شود که والدین زمینه حسادت بین فرزندان را فراهم می کنند. ایجاد حسادت بین فرزندان موجب عقده های روانی است زیرا پدر یا مادر اگر به یکی زیاد محبت کند کودک نسبت به او عقده پیدا می کند.

روابط کودکان دارای نشیب و فرازهای زیادی است جایی که یک کودک بین برادران و خواهران رقیب پیدا کرد اگر مراقب او نباشند دچار عقده حسادت خواهد شد. پس پدر یا مادر باید در برابر محبت جانب تعادل را نگاه دارند.

در بسیاری از موارد مشاهده می شود که والدین فرزندان را تحت فشار قرار می دهند به طوری که آنها فرزندان را مجبور می کنند که کاملاً مطابق هنجارهای حاکم بر خانواده رفتار کنند. درحالی که زیاده روی در این امر و توجه نکردن به شرایط سنی کودکان مشکل می آفریند. در سنین قبل از دبستان، تحمیل نظرات بزرگسالان و وادار کردن کودکان به

انجام رفتارهای بهنجار خطاست، زیرا که در آن سنین کودک نه ارزشها را می شناسد و نه هنجار را می فهمد و جز بازی و تقلید از رفتار دیگران با چیز دیگری مأیوس نیست. تحمیل رفتارهای مورد انتظار بزرگسالان در این سنین به کودکان مشکلات رفتاری برای آنها ایجاد می کند. همچنین ضروری است در هر گروه سنی برخورد والدین و مربیان با کودکان و نوجوانان متناسب با ویژگیهای روانی آنان انجام پذیرد.

ادامه دارد

باسمه تعالی

«تربیت باید قرآنی باشد» - امام خمینی

# تربیت

ماهنامه پرورشی وزارت آموزش و پرورش

نشریه «تربیت» همه ماهه توسط دفتر معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش منتشر می شود.

هدف از انتشار این نشریه در وهله اول ارتقای سطح دانش و آگاهی مربیان تربیتی و سایر دست اندکاران تعلیم و تربیت و در مرحله بعد ایجاد ارتباط متقابل میان مربیان و دفاتر ستادی امور تربیتی به منظور تبادل تجارب و آموخته های تربیتی و پرورشی است.

طریقه اشتراک

مربیان پرورشی و سایر علاقه مندان می توانند برای اشتراک پانزده شماره در سال، مبلغ یک هزار و شصت و پنجاه ریال به حساب ۹۰۰۳۰ بانک ملی، شعبه کریمخان زند تهران - قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی - واریز کنند و فیش آن را همراه فرم تکمیل شده زیر به این نشانی ارسال دارند:

تهران - گد پستی ۱۱۴۱۴ - میدان بهارستان - خیابان اکیانان - ساختمان شماره یک وزارت آموزش و پرورش - واحد توزیع ماهنامه تربیت شماره تلفن واحد توزیع: (داخلی ۳۵۹) - ۳۱۱۳۱-۹ - فرم اشتراک

این جانب با مشخصات زیر، ضمن ارسال فیش واریز مبلغ ۱۶۵۰ ریال، متقاضی اشتراک یکساله ..... ماهه مجله «تربیت» هستم.

نام و نام خانوادگی: شغل:

نشانی دقیق:

استان: شهرستان: گد  
پستی: خیابان:  
کوچه: پلاک: